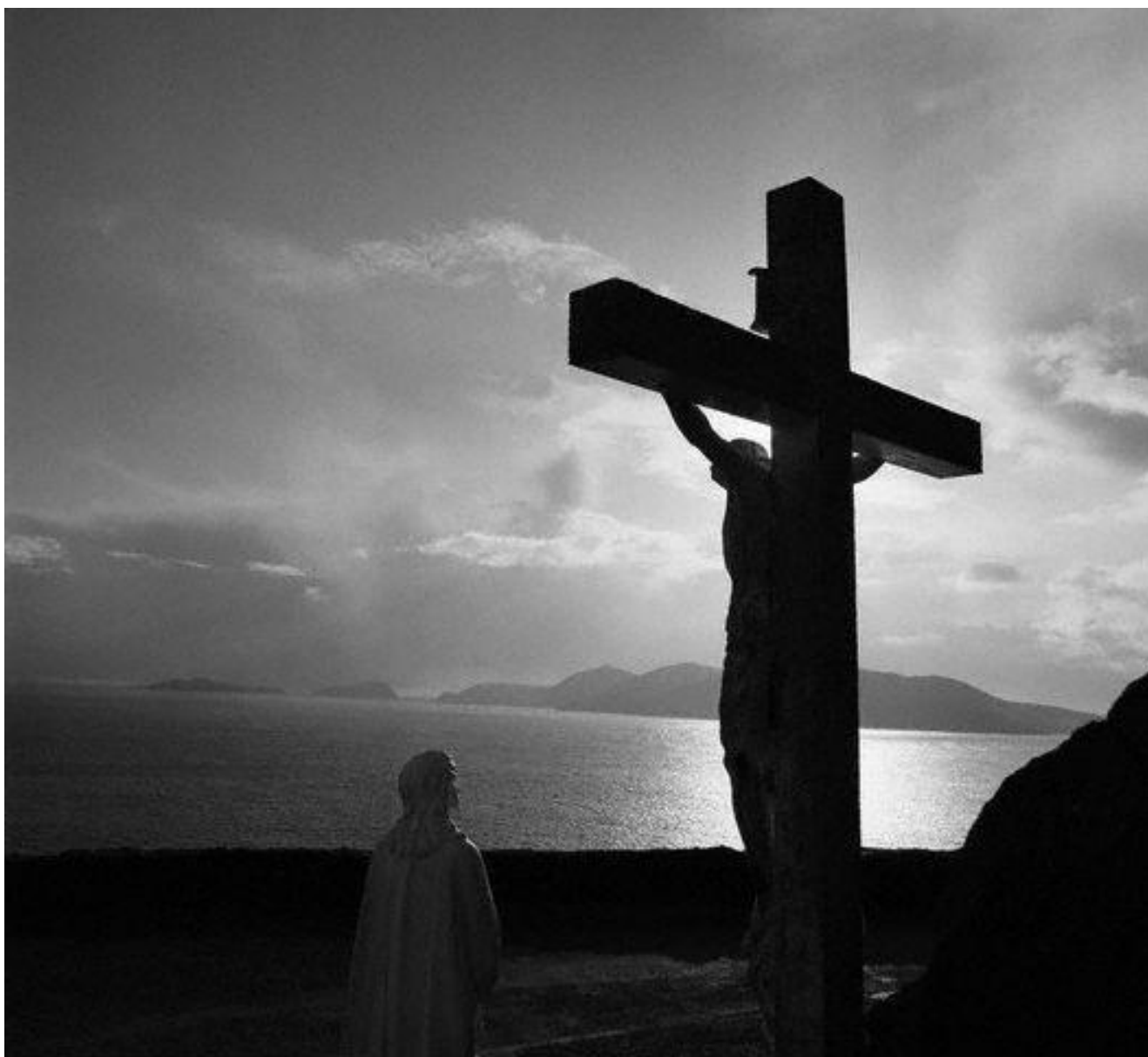


وجه تمایز مسیحیت در کجاست ؟



وجه تمایز مسیحیت در کجاست ؟

مسیحیت را در واقع نمی توان یکی از ادیان عالم و مسیح را یکی از انبیا معمولی بشمار آورد. انبیا معمولاً طی مراسمی یا وقایعی نبوت خود را اعلام می دارند . الهامات خود را در کتابی به پیروان خود هدیه می کنند و جهت مریدان خود سازمان جداگانه ای ترتیب می دهند ، مسیح به هیچ کدام از این کارها دست نزد ، خود را بعنوان پیغمبر معرفی نکرد ، کتابی ننوشت و شریعت مدونه ای نیاورد ، کسی که اولین سرگذشت مسیح را نوشته یعنی مرقس در (فصل ۱ : ۱۵) درباره او می گوید :

« زمان به کمال رسیده و پادشاهی خدا نزدیک شده است ، توبه کنید و به این بشارت ایمان آورید . »

عیسی مانند کسی که بخواهند خبر مهمی را افشا کند به میان مردم می رود و می گوید قرار است واقعه

عظیمی رخ دهد . آن واقعه آغاز دین تازه ای نیست ، حرف نیست ، جر و بحث و مقایسه ادیان نیست و سیستم فکری نیست . مژده اتفاق تازه ایست که قرار است بیافتد ، صدور دستورات جدید نیست ، نشان دادن طرح عبادتی تازه ای نیست بلکه ابلاغ مژده بزرگی است .

حال باید دید آن مژده چیست و آن واقعه کدام است ؟ مژده اینست که ساعت مقرر رسیده و پادشاهی خدا نزدیک است . دیگر منتظر پیغمبری نباشید که شریعت تازه و دستورات نوینی به شما بدهد ، اکنون دیگر وقت مقرر فرا رسیده است ، خود خدا مستقیماً دست بعمل بزند ، خود خدا حکومت را بدست می گیرد ، پادشاهی خدا فرا رسیده است . حکومت دست خود اوست ، پس چرا این پادشاهی دیده نمی شود؟ جواب واضح است : « مسیح گفت : توبه کنید و به این مژده ایمان بیاورید . » توبه یعنی عقب گرد ، یعنی بازگشت ، یعنی تغییر کلی مسیر ، توبه پشیمانی سطحی از اعمال زشت نیست بلکه رو گردانید از هر چه غیر خداست به خدا .

پادشاهی خدا را زمانی خواهیم دید که توجهمان را از نفس پرستی و طمع و حرص و خودبینی ، به خدا معطوف داریم . قدم پس از ایمان است و معنی عملی ایمان اطمینان است ، فرمانروایی خدا برعکس فرمانروایی های این دنیا کسی را به کاری مجبور نمی کند ، روش پادشاهی خدا روش محبت است . با زور نمی توان اطمینان ایجاد کرد با اجبار نمی شود محبت آفرید ، با تحمیل قوانین و به کار بردن قوه قهریه ممکن نیست اشخاص خوب و پرهیزکار پروراند ، قلب های شکسته و دلهای داغدار و رنج دیده را نمی توان با تبلیغات تهی و با دروغ پردازی و یا به زور التیام بخشید . پادشاهی خدا ، برعکس فرمانروایی های این جهان ، اساسنامه مدون و قانون اساسی ندارد ، دارای سازمان مفصل و قوانین مدون هم نیست ، پادشاهی خدا محبت بی پایان خدا به انسان پادشاهی خدا یعنی نجات یک انسان از خطر ، یعنی بازگشت یک فرزند عامی به خانه پدر ، یعنی زیستن با خدا .

مسیح اقدام الهی است برای استقرار پادشاهی خدا ، در حقیقت اگر نظر از همه چیز برداشتیم و به او متوجه شدیم که همان توبه است و اگر به او و به روش او اعتماد کردیم که همان ایمان باشد ، پادشاهی او را در قلب خود پذیرفته ایم ، پیرو مسیح شدن تغییر دین نیست ، نام نویسی در حزب نیست ، رقابت با ادیان دیگر نیست ، بلکه پذیرفتن مژده پادشاهی او است در کل خلقت و در قلب و ذهن خود .